نکاتی از روزهای پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در گفت و گوی «جوان» با یک راوی دفاع مقدس

متر به متر جنگیدیم و دشمن را عقب راندیم

■ علیرضا محمدی

چند سال پیش محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه در جنگ تحمیلی گفته بود که بـه جای هفته اول شروع دفاع مقدس، باید دو هفته پایانی آن بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت. در واقع روزهای پایانی تیرماه ۱۳۶۷ هر روزش آبستن حوادث بسیاری بود. روز ۲۷ این ماه رسـماً اعلام شد که ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته اسـت. یکی، دو روز بعد هم عراق آن را پذیرفت؛ اما ۳۱ تیرماه دوباره به ایران حمله کرد. عبدالرضا حسنی از راوی‌های دفاع مقدس در گفت‌وگو با «جوان» به چند نکتـه جالب توجه در خصوص روزهای پایانی دفاع مقدس اشاره می‌کند.

■■■

■ اولین خلف وعده

اولین خلف وعده‌ای که بعثی‌ها در ماجرای قطعنامه انجام دادند؛ مربوط به روز اعلام رسـمی آن از طرف ایران می‌شود. تیرماه ۱۳۶۶ که شورای امنیت قطعنامه ۵۹۸ را تصویب کرد؛ عراق آن را پذیرفت اما چون ایران نه آن را رد کرد و نه آن را کاملاً پذیرفت، عراقی‌ها هم اعلام کردند که تا ایران آن را نپذیرد آنها نیز قطعنامه را قبول نمی‌کنند. ولی سـال ۶۷ که ایران اعلام کرد قطعنامه را پذیرفته است؛ بعثی‌ها برخلاف سال ۶۶ آن را نپذیرفتند. یک یا دو روز بعد با فشار دیپلماتیکی که روی آنها وارد شد، مجبور به پذیرش قطعنامه شدند. وگرنه قصد داشتند در پذیرش آن سرباز بزنند.

■ حمله هوایی بعد از قعطنامه

یک واقعه‌ای که بعد از پذیـرش قطعنامه پیش آمد و کمتر به آن پرداخته شده است؛ حمله هوایی بعثی‌ها بعد از قطعنامه است. در واقع این حادثه دومین خلف وعده بعثی‌ها در خصوص قطعنامه اسـت. در پی این حادثه، نیـروی هوایی عراق به نیروگاه اتمی بوشـهر حمله کرد و خسارت سنگینی به آن وارد کرد. صدام می‌خواسـت تا آنجا که می‌تواند به ایران ضربه بزند و بعد جنگ را تمام کند. از سوی دیگر در برخی از نقاط جبهه‌ها نیز آتش رد و بدل می‌شـد که این هم مورد دیگری از نقض قطعنامه و بند آتش بس ذیل آن بود.

■ صبح ۳۱ تیرماه ۶۷

سپیده دم ۳۱ تیرماه ۱۳۶۷ در میدان عمل دیگر اثری از قطعنامه ۵۹۸ باقی نمانده بـود! چراکه در این روز عراق از دو محور کوشک و شلمچه به ایران حمله کرد. سـال ۵۹ هم این دو محور، از محورهای اصلی حمله عراق به خاک کشورمان بود. اینطور عنوان می‌شد که صدام می‌خواهد دوباره خرمشهر را بگیرد. در آن زمان نیروی زیادی در شلمچه وجود نداشت. بعثی‌ها هم با شش لشکر زرهی به سـرعت از خط مرزی گذشتند و در دو محور به سمت اهواز پیشـروی کردند. حتی لشکرهای ۴و۵ دشمن توانستند ۳۰ کیلومتر از جاده خرمشهر به سمت اهواز را تصرف کنند. در این حمله سـریع علاوه بر اینکه خرمشـهر به محاصره درآمد؛ برخی از یگان‌های دشمن خود را به اهواز (مرکز استان خوزستان) نزدیک کردند.

■ عملیاتی سرنوشت ساز

با بسـیج نیروها علیه خلف وعده بعثی‌ها، تانک‌های دشمن تا غروب همان روز ۳۱ تیرماه شکست خوردند و تا نزدیکی‌های مرز عقب‌نشینی کردند. در طی زد و خوردی که انجام گرفت، رزمندگان نام عملیات خود را «لبیک یا خمینی» یا «عملیات سرنوشت» گذاشتند. نام لبیک یـا خمینی به این دلیـل روی این عملیات گذاشـته شـد که حضرت امام پیامی صـادر کردند و از رزمندگان خواسـتند با تمام قوا مقابل دشـمن ایستادگی کنند. متن پیام امام بسـیار حماسی بود. ایشـان گفته بودند: «باید متر به متر و وجب به وجب جنگید و هیچ عذری از هیچ‌کسی پذیرفته نیست.» از همین رو نام عملیات لبیک یا خمینی گذاشـته شد. از طرف دیگر به آن عملیات سرنوشـت نیز می‌گویند چراکه اگر مـا در آن مقطع شکسـت می‌خوردیم به دلیل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ دیگر امکان جبران وجود نداشـت و جنگ با برتری بعثی‌ها به اتمام می‌رسید. از طرف دیگـر حضرت آقا که آنموقـع رئیس‌جمهور بودند در نماز جمعه که مصادف با روز ۳۱ تیرماه بود اعلام می‌کنند که من هم عازم منطقه جنگی می‌شوم و همگـی می‌رویم به سـوی سرنوشـت... این جمله ایشـان از دلایل دیگری بود که باعث شد نام عملیات عقب راندن نیروهای دشمن در خوزستان را عملیات سرنوشت بگذارند.

■ بمباران شیمیایی اسلام آباد

یک نکته مغفول مانـده در روزهای پس از قطعنامه، حمله بعثی‌ها بـه جبهه‌های غرب اسـت. از ابتدای دفاع مقـدس چون جبهـه جنوب حالتـی حیاتی داشت؛ معمولاً به آن بیشـتر توجه می‌شد. در حالی که مرزهای غربی هم شاهد نبردهای بزرگی بودند. پس از آنکه عراق روز ۳۱تیرماه از حمله به خوزستان نتیجه‌ای نگرفت، روز دوم مردادماه به مرزهای استان کرمانشاه حمله کرد و چند واحد از نیروهای دشمن تا گیلانغرب پیشروی کردند و حتی وارد پادگان ابوذر شدند. این را هم اضافه کنم که روز ۳۱ تیرماه همزمان با حمله زمینـی عراق به مرز شـلمچه و تلاش برای محاصره خرمشـهر، جنگنده‌های دشـمن مناطقی از توابع اسـلام آباد در استان کرمانشـاه را بمباران شیمیایی کردند.

■ ۱۰ هزار اسیر در چند روز

یکی از عبرت‌های روزهای پایانی جنگ که تجربه‌ای تلخ هم اسـت، موضوع اسـارت حدود ۱۰هزار نفر از مردم و رزمندگان از سوی نیروهای دشمن در روزهای پایانی جنگ است. عراق که می‌دانست تعداد اسرای آنها نزد ما بسیار بیشتر از اسرایی است که از ما گرفته، سعی می‌کرد در روزهای پس از پذیرش قطعنامه و در فرصتی که به دست آمده است؛ تا می‌تواند از ما اسیر بگیرد. البته آنهـا فقط نظامی‌ها را اسـیر نمی‌کردند بلکه به مردم عادی هم رحم نمی‌کردند و هر کسـی را که می‌دیدند سـوار کامیون‌های نظامی کرده و به عراق می‌بردند. در جبهه جنوب کمتر از ۲هزارنفر و در جبهه غرب حدود ۸هزار نفر اسیر شدند که جمع این تعداد به چیزی در حدود ۱۰هزار نفر می‌رسـد. طبق اعلام ستاد آزادگان، کل اسرای بازگشتی به کشورمان ۳۹هـزارو ۱۴۰ نفر بودنـد. مجموع اسـرای عراقی تحویل داده شده به آنها هم ۵۶هزارو ۶۹۵ نفر بودند. البته این تعداد اسرا از سال ۶۰ تا ۸۲ مبادله شدند. از حدود ۴۰هزار ایرانی اسیر، ۱۰هزار نفرشان در آخرین روزهای جنگ به اسـارت درآمدند. عراقی‌هایی که تا سـال ۸۲ در ایران ماندند به این دلیـل بود که تعداد اسرای عراقی بیشتر از اسرای ما بود و در تبادل بین دو طرف چند هزار نفر از آنها تا زمان سقوط رژیم صدام در ایران باقی ماندند.

مقام معظم رهبری در آخرین روزهای جنگ در مناطق عملیاتی حضور یافته بودند

بعثی‌ها با چند لشکر زرهی روز ۳۱ تیرماه ۶۷ به ایران حمله کردند

نگاهی به کتاب «پایان جنگ» بررسی وقایع ماه‌های پایانی دفاع مقدس

تکنولوژی تولید موشک آلمان هدیه‌ای به صدام

■ غلامحسین بهبودی

کتاب «پایان جنگ» پنجمین جلد از مجموعه کتاب‌های سیری در جنگ ایران و عراق نوشته محمد درودیان اسـت. در جلد پنجم که به وقایع پایان جنگ تحمیلی پرداخته شده اسـت درودیان به بیان شـرحی از وقایع آن روزها می‌پردازد. از تقویت ارتش عراق از سوی ابرقدرت‌ها تا تلاش‌های ایران برای مقابله با حملات دشـمن. با هم نگاهی به داشته‌های این کتاب می‌اندازیم.

■ تغییر موازنه در جنگ

کتاب پیش رو قصد دارد تا به دلایلی بپردازد که منجر به تغییر موازنه قوا در جبهه‌ها شده است. تغییر موازنه از جایی شروع می‌شود که عراق در فاو شکست می‌خورد و احتمال شکست آن از ایران، باعث می‌شود تا هم خود صاحب‌منصبان بعثی و هم حامیان این رژیم سعی کنند تا به تقویت جبهه عراق در برابر ایران بپردازند. لذا در این بخش از کتاب به کمک‌های کشورهایی چون شوروی سابق، امریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، کویت و عربسـتان به عراق پرداخته می‌شود. کمک‌هایی که باعث می‌شود در طول سـال ۱۳۶۶ عراق از حیث تجهیزات، بسیار پیشرفت کند و در سال ۶۷ و اواخر جنگ، حملاتی را به ایران ترتیب دهد. ایجاد زیر سـاخت هایی برای تولید موشک در عراق که با ارائه تکنولوژی آلمان به این کشور صورت گرفته بود، در کنار فروش انواع جنگنده ها، تانک‌ها و دیگر سلاح‌های راهبردی به عراق بعثی، از جمله مواردی است که باعث می‌شود این کشور در طی سال ۱۳۶۶ ارتش خود را به سرعت تقویت کند.

■ تلاش برای مقابله با دشمن

در کتاب «پایان جنگ» سعی شـده تا نگاهی همه جانبه به تمامی مسائلی انداخته شود که در اتمام جنگ تحمیلی مؤثر بودند. از جمله سقوط فاو و خروج ایران از حلبچه و همچنین تلاش‌هایی که برای مقابله با حملات دشمن از سوی کشورمان انجام شده بود. این کتاب در واقع تمامی رویدادهای ماه‌های پایانی جنگ را مورد بررسی قرار داده و حتی گذری به رسانه‌های فرامرزی نیز داشته است. چنانچه سخنانی از کارشناسان نظامی امریکایی و غربی در کتاب گنجانده شده است.

در همین خصوص از قول یکی از کارشناسان کشور امریکا آورده شده: عراقی‌ها اکنون (سال ۱۳۶۷) بهتر از قبل می‌جنگند. به نظر می‌رسد ایران دیگر مثل گذشته نمی‌تواند در اعزام نیرو به جبهه موفق عمل کند. برخی از صاحب نظران دلایل این موضوع را مسائل اقتصادی و برخی مشکلات و اختلافات درونی می‌دانند.»

اشاره این کارشناس امریکایی به مسائلی است که در ماه‌های پایانی جنگ باعث شده بود اعزام نیروهای داوطلب مردمی به جبهه کمتر از سال‌های قبل باشد. اما نهایتاً با حمله سراسری عراق به ایران که پس از پذیرش قطعنامه صورت گرفت؛ حضرت امام پیامی صادر کردند و پس از آن چندین هزار نفر از نیروهای مردمی به جبهه‌ها شتافتند که باعث عقب راندن دشمن و شکست او در تصرف مجدد خرمشهر شد.

■ سطوری از متن کتاب

در انتهای مروری بر کتاب «پایان جنگ» بخشـی از متن این کتاب را تقدیم حضورتان می‌کنیم: «از بعدازظهر جمعه ۳۰ تیرماه ۱۳۶۷، با شـکل گیری محورهای مقاومت و ظهور و بروز دوباره رشادت‌ها و حماسه‌های رزمندگان همانند نخسـتین روزهای مقاومت در برابر دشمن در سـال ۱۳۵۹، روند تحمیل خسـارت و تلفات بر نیروهای دشمن آغاز شـد و به تدریج چنان افزایش یافت که تا بعدازظهر روز شنبه، پادگان حمید از اشغال نیروهای دشمن آزاد شد. این امر باعث تقویت روحیه رزمندگان و از آن سو باعث ضعف روحیه دشمن شد و سرآغازی بر عقب نشینی و خروج نیروهای دشمن از مناطق متصرفی خود در جبهه جنوب شد...»

خاطره

خاطره‌ای از عملیات سرنوشت به نقل از یک رزمنده دفاع مقدس

حمله دشمن در وقت اضافه!

■ غلامحسین بهبودی

یکی از جاده‌های مواصلاتی منطقه شـلمچه مزین به نام پربرکت آقا امام رضا(ع) شده بود. در روز ۳۱ تیرماه که عراق از مرز شلمچه گذشت و سعی کرد خودش را به خرمشهر برساند، خط پدافندی ما روی همین جاده امام‌رضا(ع) بود. در ساعات اول حمله دشمن، هر کسی که در خط پدافندی این جاده حضور داشت، یا شهید شد، یا مجروحیت پیدا کرد. قبل از ما یک تعداد دیگری از رزمنده‌ها در این خط پدافندی بودند که از صبح چند پاتک دشمن را تحمل کرده بودند. تقریباً دیگر رمق و نیرویی برای‌شان باقی نمانده بود.

ما رفتیم جایگزین آنها شدیم. در حالی که هنوز پیکر تعداد زیادی از رزمنـدگان روی زمیـن افتاده بود، مجبور بودیم بدون توجه به این ابـدان مطهر، روی خاکریز برویم و با تانک‌های بعثی مقابله کنیم. عراق در آخر جنگ به لحاظ تسـلیحات بسـیار پیشرفت کرده بود. آنقدر تانک در منطقه ریخته بودند که قابل شـمارش نبود. ولی بچه‌های ما بدون اینکه به عدد و تعداد نگاه کنند به تکلیف‌شـان عمل می‌کردند و با بعثی‌ها مقابله می‌کردند.

روز ۳۱ تیرماه ۶۷ عاشـورایی بود. از بچه‌های ما تعداد زیادی به شـهادت رسـیده بودند و عراق دست بردار نبود. خط ما عرض خوبی داشت اما تانک‌های دشمن به قدری زیاد بودند که آمدند خاکریز مـا را دور زدند. می‌خواستند از پهلو هم فشار بیاورند تا بتوانند خط را بشکنند. در این زمان بچه‌های لشکر ۸ نجف به داد ما رسیدند و محاصره را شکستند. شب فشار دشمن کمتر شد و تانک‌های‌شـان عقب‌تر رفتند، ولی همچنان در دو روز بعدی تلاش می‌کردند در منطقه نفوذ کنند. در واقع عراق قصدش از این حمله در وقت اضافه این بود که بتواند از ما خاک تصرف کند تا در مذاکرات پس از برقراری آتش بس دستش پرباشد.

به هرحـال بعد از دفـع حمله دشـمن در آخرین روز تیرماه ۶۷، فشار دشمن کمتر شـد. هر چند که تا دو روز بعد همچنان درگیری‌ها ادامه داشت. صدام دشمن سمج و سرسختی بود و تا آخرین لحظات می‌خواست تا می‌تواند برای خودش دستاورد ایجاد کند. هرچند که موفق نشد نیتش را عملی کند و وقتی که رزمنده‌های ما به مرز رسیدند، برخی اعلام کردند که حاضر هستند تا بصره پیشروی کنند. اما حضرت امام گفتند ما قطعنامه را پذیرفتیم و دیگر نباید از این جلوتر برویم. از اواسط مردادماه آتش بس برقرار شـد و جنگ در میدان نبرد نیز به اتمام رسید.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۰۸۰

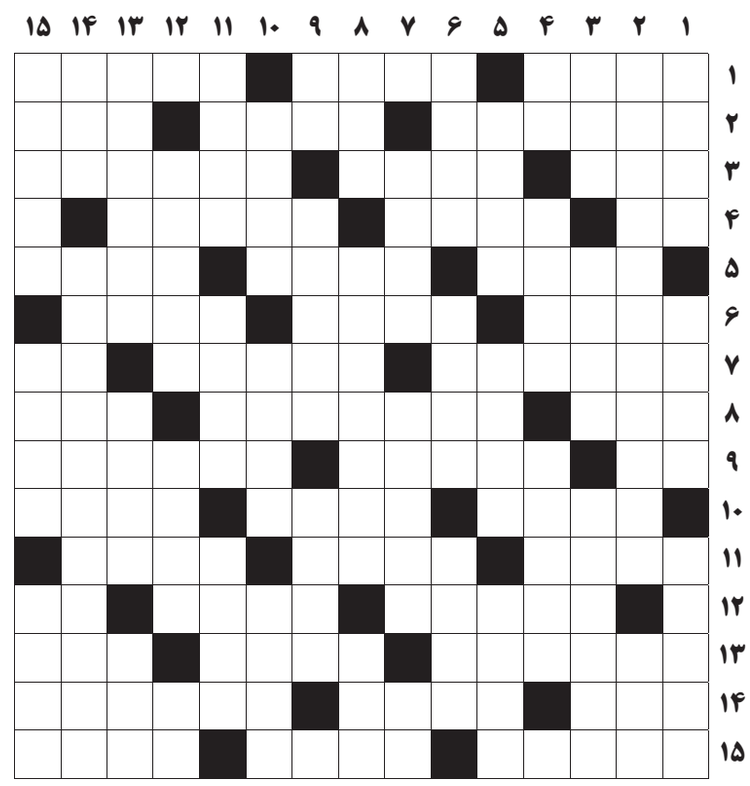

از راست به چپ

■ ۱- صف‌شـکن و از القاب امام علی (ع) – بیماری پارکینسـون- پرنده‌ای شـکاری ■ ۲- که عشـق آسـان نمود اول ولـی افتـاد ...- زمام- خمیـازه ■ ۳- موی گردن شـیر- میوه تـرش و شـیرین- کینه‌جـو ■ ۴- تلخ- لباس شـنا- قومی از نژاد هند و اروپایی ■ ۵- چاشـنی تند- حجت و برهان- متضاد ورود ■ ۶- سران- روچراغی- محکم و اسـتوار ■ ۷- خودکشـی- شـهر محل ولادت امام عصر(عج)- همراه نالـه ■ ۸- ظرف روغن- تیمـی در فوتبال اسـپانیا- کوشـش ■ ۹- رمق آخر- فرمانی در نظام- خطیب انقلاب فرانسـه ■ ۱۰- دریاچه‌ای در سوئیس- شهر بهارنارنج- دنیا ■ ۱۱- گذشـته- آقـای گل جام جهانی ۱۹۸۲- همراه دارا ■ ۱۲- شـبیخون- قهرمان افسـانه‌ای آذری‌ها- دشنام ■ ۱۳- محله‌ای در شمال تهران- پاره خشـت- به جز ■ ۱۴- محل تلاقی زمین و آسمان- ترکیب ید با عناصر دیگر- اهمال و کوتاهی ■ ۱۵- نام دیگر زهره- شـهری در فرانسـه- از جنگندههای ساخت کشورمان

از بالا به پایین

■ ۱- بی آلایش و پاک- زعفران- شـهر و تیم فوتبالی در ایتالیا ■ ۲- از مهم‌ترین عوامل بروز سکته ایرانیان- خبرگزاری فلسطین ■ ۳- ستون کشتی- صف و قطار- دریغ داشتن ■ ۴- نقش تئاتری- مدح‌کننده- فصل خزان ■ ۵- تیغه ماه- پایتخت اردن- پیشـوا ■ ۶- صفحات داخلی روزنامه‌ها- پرحرف- واحد پول آفریقای جنوبی ■ ۷- باادب- چشمه- یار شیرازی ■ ۸- سازمان جهانی هواشناسی- شهری در امریکا- وزیر خارجه اسبق امریکا ■ ۹- تکرار حرفی- این هم تیمی در فوتبال اسپانیاست- شاعر پارسی گوی هندی ■ ۱۰- سگدست- کامل کننده- با ایمان ■ ۱۱- تراکتور شالیزار- خانه با عرصه مشجر- گیاهی تزئینی با برگ های درشت ■ ۱۲- فرمانده کشتی- از علوم حوزوی- سفید آذری ■ ۱۳- شهرت علامه اقبال پاکسـتانی- بیـدار- کلمه‌ای برای اطاله کلام ■ ۱۴- نوشـابه قدیمی- رمان مشـهور ارنسـت همینگوی ■ ۱۵- ازمرکبات پردانه- شتر تندرو- درخشان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۳		۵			
			۸			۵		۴
	۷	۱						
۸							۲	
۳	۲	۷				۹		
				۶			۸	
	۱	۸				۶		
		۵				۱		۷
			۴		۳			

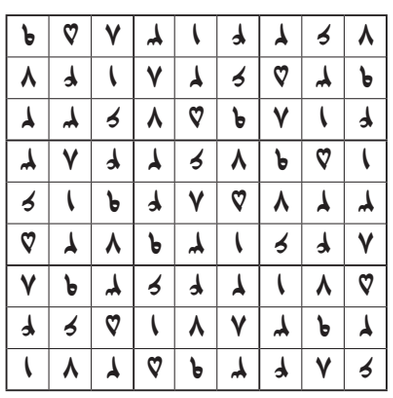

جدول کلمات متقاطع
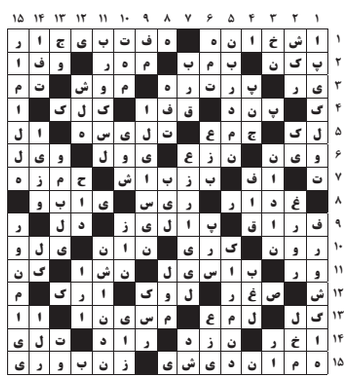
پاسخ جدول شماره ۷۰۷۹